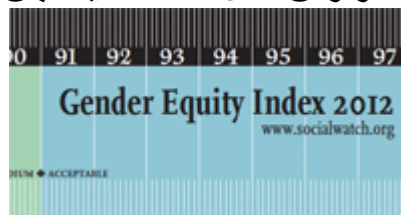


شاخص برابری جنسیتی و توسعه اجتماعی در جهان و ایران (با نگاهی به گزارش سال 2012 دیده بان اجتماعی)*



حمید حمیدی

دیده‌بان اجتماعی در سال 1995 برای پیشبرد اهداف اجتماعی، فرهنگی مورد نیاز برای تحقق پیمان‌های سازمان ملل، توسط گروهی از سازمان‌های جوامع مدنی و با هدف یادآوری تعهدات دولت‌ها و پیگیری مستقل انجام آن تعهدات، کشور به کشور و در سطحی بین‌المللی به وجود آمده است. از آن پس، دیده‌بان اجتماعی گزارشی سالانه از پیشرفت و پسرفت‌ها در منازعه با فقر و تساوی جنسیتی منتشر می‌کند و در حال حاضر این شبکه اعضای در بیش از 70 کشور در سطح جهان دارد. از روز تاسیس آن در سال 1996 تا به امروز که جلسات آن گسترش یافته و ابعاد وسیعی از آن پیشرفت کرده، اما با این حال هنوز دستیابی به ایده‌آل‌ها و اهداف اساسنامه آن تحقق نیافته است.

نظر به اینکه زنان از نظر موقعیت اجتماعی، سیاسی، نوع شغل و درآمد حاصل از آن در شرایط متفاوتی با مردان قرار دارند، به نظر می‌رسد که نظریات نابرابری جنسیتی می‌تواند انطباق تقریبی با وضعیت فعلی نابرابری زنان و مردان در ایران را داشته باشد که پرداختن به آن نظریه‌ها خود نوشتار جداگانه‌ای را می‌طلبد که از گنجایش این مقاله خارج است. زنان نیمی از جامعه کنونی چه در ایران و چه در جهان را تشکیل داده‌اند و به همین منظور بدون توجه به خواسته‌های زنان توسعه اجتماعی و توسعه پایدار موضوعی ناممکن تلقی می‌گردد. در چهارمین اجلاس جهانی زن (پکن، 1995) موضوع ارتقای مشارکت زنان و دستیابی به اهداف برابری جنسیتی به‌گونه‌ای مطرح شد که پیشرفت و مشارکت زنان محور اساسی بحث توسعه پایدار گردید و شعار فراهم نمودن فرصت‌های بیشتر برای توانمندسازی زنان از طریق دستیابی آنها به آموزش و قدرت و اقتصاد و فراگیری فنون و اشتغال در کنفرانس جمعیت و توسعه «قاهره» به‌عنوان کلید اساسی رسیدن به استراتژی جدید بیان شد.

اجلاس هیأت رئیسه سازمان ملل در سال 1995 که در کنین‌هاگ تشکیل شد طی اعلامیه‌ای توسعه جهانی را چنین تعریف می‌کند: «اشتغال کامل، برابری میان مردان و زنان و دسترسی آنان به مسائل اقتصادی، سیاسی، آموزشی و مراقبت‌های بهداشتی باید در اولویت قرار گیرد». در چنین شرایطی که جهان برای دستیابی به برابری و ایجاد شرایطی که امکان دسترسی عادلانه و متناسب با شایستگی فردی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حرکت می‌کند با نگاهی دقیق به واقعیات می‌توان تصاویری را مشاهده کرد که بیانگر محرومیت‌ها و تبعیض زنان در ابعاد و سطوح مختلف است. در چنین شرایطی که محور توسعه پایدار انسان قرار داده شده است و نیمی از انسان‌ها را زنان تشکیل می‌دهند دست یافتن به چنین توسعه‌ای آسان به نظر نمی‌رسد. به جهت اینکه در جامعه‌ای که ایدئولوژی مردسالاری بر آن حاکم بوده و مردان از موقعیت مسلط برخوردار باشند، زنان در ابعاد و سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و سایر مولفه‌ها از مردان در سطح پایین‌تری قرار خواهند گرفت.

جنس و جنسیت

توجه به جنسیت و تحلیل جنسیتی یکی از شاخص‌های توسعه در جامعه امروز است. ابتدا لازم است از جنس (سکس) و جنسیت (جندر) تعریفی ارائه شود. در برخی متون مربوط به توسعه، این کلمات به صورت مترادف به کار رفته است، درحالی که مفاهیم کاملاً متفاوت دارند. «جنس به خصوصیات بیولوژیک فرد اشاره می‌کند، درحالی که جنسیت، به نقش‌هایی که توسط اجتماع برای زنان و

مردان مطرح می شود اشاره دارد.» جنسیت در زبان عامیانه، همان مردانگی و زنانگی است که در گفت و گوی روزمره از آنها استفاده می شود. جنس افراد با گذشت زمان تغییر نمی کند، در حالی که نقش های جنسیتی با گذشت زمان تحت تأثیر تغییرات اجتماعی قرار می گیرد. جامعه شناسان برای جداسازی میان جنس و جنسیت و تأثیرپذیری جنسیت از عوامل اجتماعی، شواهد و دلایلی ارائه کرده اند. برای مثال چنین استدلال کرده اند که کودکان از ابتدای زندگی، با انواع کلیشه های جنسیتی بمباران می شوند، تا آنجا که یک کودک دو ساله، بسیاری از کلیشه های جنسیتی را آموخته است. این آموزش از راه انتظارات وابسته به جنس والدین، آشنایان و کودکان دیگر صورت می گیرد. به این ترتیب، دانشی که کودک از جنسیت خود به دست می آورد، بر درک او از جنسیت در سراسر زندگی اش اثر می گذارد. البته در میزان تأثیر هورمون های جنسی پیش از تولد نیز، نظرهای متفاوتی وجود دارد، ولی بررسی ها نشان داده است که اثر این هورمون ها بر اساس محیط اجتماعی کودک فزونی یا کاهش می یابد. طرفداران نظریه تساوی جنسیتی، با تمایز میان هویت جنسی و هویت جنسیتی، تفاوت های بیولوژیکی زن و مرد را عاملی برای تفاوت در نقش های آنان در نظر نمی گیرند و معتقدند دو جنس می توانند و باید نقش های یکسان داشته باشند. نظریه برابری، نقش های کلیشه ای را زمینه ستم به زنان می داند و معتقد است آنچه می تواند مانع ستم به زنان شود، بهره مندی زنان و مردان از فرصت های برابر و در نتیجه نقش های برابر است.

هویت جنسیتی

شکی نیست که رشد جنسیت از دوران پیش از تولد آغاز می شود. پس از آن خانواده و جامعه هویت جنسیتی را می سازند. تغییراتی که این روزها در هویت دختران و پسران مشاهده می کنیم، دلیلی بر نقش مؤثر جامعه بر هویت جنسیتی است. گرایش دختران، به ظاهر پسرانه که در نوع پوشش، اعم از لباس و کفش آشکار است و رفتارهای پسرانه در ادبیات کلامی و حتی نوع راه رفتن دختران، تا حدودی عادی شده است. پسر ها نیز از این تحول در امان نمانده اند و پوشش و مدل مو و حتی آرایش آنها و به طور کلی تمایل به خودنمایی، از رفتارهای دخترانه حکایت دارد. وجود دختران پسر نما و پسران دختر نما ثابت می کند که هویت جنسیتی می تواند با هویت جنسی همسو نباشد و عوامل محیطی در شکل گیری هویت جنسیتی نقش دارند.

این تحولات که بر اثر حضور اجتماعی زنان است، نشان دهنده توانایی زنان در ایفای نقش های اجتماعی است، نقش هایی که در باورهای کلیشه ای همواره نقش های مردانه تلقی شده اند اما از سوی دیگر کلیشه های سنتی، جای خود را به کلیشه های پیشرفته داده اند. هویت جنسیتی که زن امروز، در تلاش برای به دست آوردن آن است، یکی از نمونه های کلیشه مدرنی است که زنان به آن روی آورده اند.

مهمترین شاخص های توسعه اجتماعی با تاکید بر شاخص های جنسیتی:

تعریف توسعه اجتماعی:

توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی پروسه توسعه و بیانگر سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی افزایش کیفیت زندگی و ارتقاء کیفیت انسان ها می باشد. بر اساس این تعریف هدف عدالت اجتماعی کاهش عدم تعادل ها و تبعیض بین افراد است. از طریق عدالت اجتماعی انتظار می رود که فاصله طبقاتی، تبعیض و استثمار در جامعه به حداقل برسد و توزیع درآمد، سرمایه و قدرت به گونه ای مناسب تر انجام گیرد. شکاف بین فقیر و غنی، شهر و روستا و مرد و زن از میان برود و از نقطه نظر جغرافیایی نیز عدم تعادل های بین منطقه ای و درون منطقه ای به حداقل برسد. انسجام اجتماعی مربوط است به نیروهای اجتماعی که منجر به وحدت و یکپارچگی انسان ها می گردد. از طریق انسجام اجتماعی انتظار می رود تضاد و کشمکش که از هر نوع تفاوت در فرهنگ، اعتقادات سیاسی یا علایق اقتصادی نشات می گیرد از بین برود. منظور از کیفیت زندگی ارتقاء و افزایش تسهیلات و خدمات زیربنایی، شامل آموزش، بهداشت، حمل و نقل،

ارتباطات ، تغذیه و غیره است و انتظار می رود که هر سیستم اجتماعی به ارائه خدمات با کمیت و کیفیت مناسب بپردازد به طوری که امکان دسترسی همه افراد جامعه به این تسهیلات فراهم گردد. سرانجام این که توسعه اجتماعی در هر جامعه ای بطور واضح در ویژگی های جمعیتی و کیفیت آنها منعکس می گردد و انتظار می رود این فرآیند منجر به ارتقاء کیفیت افراد جامعه گردد. بطور کلی توسعه اجتماعی را می توان با مفاهیم و شاخص های زیر مورد شناسایی و سنجش قرار داد

1- عدالت اجتماعی

2- وحدت و انسجام اجتماعی

3- کیفیت زندگی

4- کیفیت افراد و ظرفیت های انسانی

با عنایت به اینکه شاخص های فوق الذکر بسیار متنوع می باشند در این مقاله صرفاً به شاخص هایی اشاره می گردد که به نوعی با جنسیت مرتبط است. لذا با توجه به اینکه در عرصه عدالت اجتماعی و به ویژه وحدت و انسجام اجتماعی ، کمی و عینی نمودن آمار و اطلاعات بسیار سخت و اساساً شیوه جمع آوری اطلاعات و آمار در کشور به گونه ای است که کمتر به این گونه متغیرها توجه می شود صرفاً به ذکر شاخص ها در ذیل متغیرهای آموزش ، بهداشت ، اشتغال و توانمندی های زنان پرداخته شده است.

آموزش

آموزش یکی از حقوق اساسی بشر است آموزش کلید توسعه پایدار و صلح و ثبات در درون ممالک و بین کشورهاست و لذا يك وسیله ضروری برای مشارکت مؤثر افراد در جامعه می باشد. ضرورت توجه به آموزش در سطح بین المللی از دهه ۸۰ آغاز شد و در دهه ۹۰ دولت ها با پذیرفتن تعهداتی در قالب کنوانسیون ها و اجلاس های بین المللی در گسترش آموزش در سطح کشورها اقدام کردند. برخی از این تعهدات در اجلاس های ذیل حاصل گردید.



نمودار و جدول شکاف جنسیتی در حوزه آموزش

اجلاس سال 1990 سران جهان برای کودکان

اجلاس سال 1994 جهانی درباره آموزش برای نیازهای ویژه دسترسی و کیفیت

چهارمین اجلاس جهانی درباره زنان در سال 1995

پنجمین اجلاس بین المللی آموزش بزرگسالان در سال 1997

اجلاس جهانی آموزش داکار در سال 2000

در آخرین اجلاس جهانی آموزش که در داکار برگزار شد دولت ها تعهد جمعی خود را نسبت به برنامه آموزش برای همه رسیدن به شش هدف عمده اعلام کردند که در چهار هدف آن موضوع دختران و

زنان به صراحت ذکر شده و در بقیه اهداف نیز این موضوع مستتر می‌باشد.

برخی از مهمترین شاخص‌های آموزشی مبتنی بر جنسیت عبارتند از:

الف- شاخص‌های دسترسی به آموزش

ب- شاخص‌های پوشش تحصیلی

ج- شاخص‌های کارایی آموزشی

د- شاخص‌های مربوط به معلمان و مدیران

هـ- شاخص‌های سواد آموزی

و- شاخص‌های آموزش عالی

بهداشت

بهبود وضعیت سلامت یکی از معیارهای مهم توسعه اجتماعی است و گسترش تسهیلات بهداشتی به

ویژه مراقبت‌های بهداشتی اولیه زمینه ساز رشد قابل ملاحظه امید به زندگی می‌گردد. به لحاظ

بهداشتی زنان آسیب پذیر تر از مردان هستند و بر اساس تعهدات بین المللی افزایش دسترسی زنان

به اطلاعات، مراقبت‌ها و خدمات بهداشتی و درمانی با کیفیت مناسب و متناسب با توانایی مالی آنها

در طول عمرشان همواره مورد تاکید قرار گرفته است بعلاوه تقویت مراقبت پیشگیرانه بهداشتی

حمایت از ابتکارهای مربوط به آگاهی جنسیتی و تهیه و توزیع آماری تفکیک شده بر حسب جنسیت از

دیگر وظایف و تعهدات دولت‌ها بر اساس اسناد بین المللی می‌باشد.

به منظور بررسی دقیق وضعیت بهداشت به ویژه برای زنان شاخص‌های متعددی وجود دارد که البته

بیشتر آنها نیاز به تمایز و تفکیک جنسیتی بین زن و مرد ندارند و بلکه خودشان می‌توانند نمایانگر

ضعف یا توسعه کشور تلقی شوند. همچنین با توجه به تعهدات بین المللی مشترک کشورها شاخص

های بهداشتی در اکثر کشورها مشابه هم می‌باشد.

برخی از مهمترین شاخص‌های بهداشتی عبارتند از:

1- میزان مرگ و میر زیر پنج سال

2- میزان امید به زندگی در زمان تولد

3- میزان امید به زندگی زنان نسبت به مردان

4- نسبت نرخ مرگ و میر زنان و مردان

5- میزان مرگ و میر به تفکیک جنس

6- میزان کل باروری

7- نرخ مرگ و میر کودکان در هر ۱۰۰ کودک زنده

8- نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال در هر ۱۰۰۰ کودک زنده

9- درصد رواج وسایل جلوگیری از حاملگی

10- درصد زنان باردار ایمن شده علیه کزاز

11- درصد زایمان‌های تحت مراقبت توسط کارکنان آموزش دیده بهداشت

12- میزان مرگ و میر مادران باردار گزارش شده در طول یک سال

13- درصد دختران دچار سوء تغذیه

14- درصد جمعیتی که از منابع بهبود یافته آب آشامیدنی استفاده می‌کنند

15- میزان بروز بیماری ایدز

16- میزان بروز بیماری سل

17- میزان بروز بیماری مالاریا

اشتغال و توانمندی زنان

شاخص‌های جهانی بیانگر عدم استفاده بهینه از توانمندی‌های زنان در تمامی عرصه‌های اقتصادی

است. به علت کمبود فرصت‌های شغلی زنان همچنان در پشت سر مردان باقی مانده‌اند هر چند حضور

فیزیکی زنان در بازار کار جهانی بیشتر شده است، اما نابرابری‌های جنسیتی از لحاظ دستمزد و

شرایط کار به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

هدف‌های استراتژیک کار پایه عمل چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن ۱۹۹۵ در خصوص زنان و اشتغال زنان عبارتند بودند از:

- 1- ترویج حقوق و استقلال اقتصادی زنان از جمله امکان اشتغال شرایط مناسب کار و کنترل منابع اقتصادی
- 2- ایجاد امکانات دسترسی برابر برای زنان به منابع ، اشتغال ، بازار و تجارت
- 3- تأمین خدمات بازرگانی آموزشی و دسترسی به بازار ، اطلاعات و فن آوری به ویژه برای زنان کم درآمد

4- تقویت ظرفیت اقتصادی و شبکه‌های بازرگانی زنان

5- حذف جداسازی شغلی و هرگونه تبعیض در اشتغال

6- حمایت از ایجاد هماهنگی در تقسیم مسئولیت‌های خانوادگی برای زنان و مردان

حضور زنان در سطوح تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی بسیار کم رنگ می‌باشد و هنوز در سطح جهانی اراده سیاسی کافی برای حضور زنان در سطوح تصمیم‌گیری وجود ندارد. بنابراین این در داخل کشورها باید شاخص‌های مربوط به توانمندی‌های زنان مرتباً مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند تا شکاف عظیم بین زنان و مردان به عنوان یک حساسیت جدی در جامعه مطرح شود. بدین ترتیب اراده جدی برای بستر سازی، جهت حضور زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری فراهم می‌گردد.

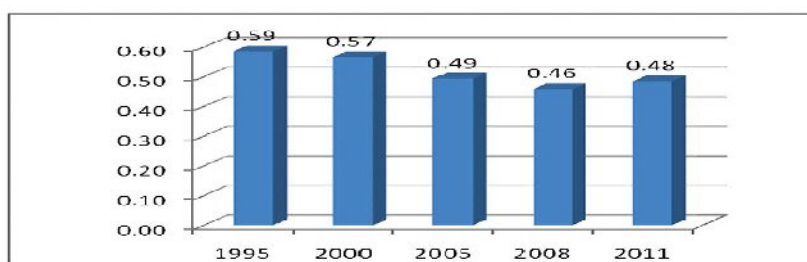
شاخص نابرابری جنسیتی

ورود مباحث جنسیتی در توسعه انسانی از سال 1995 با معرفی شاخص توسعه جنسیتی آغاز شد که باعث توجه بین‌المللی به کاهش شکاف جنسیتی در تمام ابعاد زندگی گردید. در واقع شاخص توسعه جنسیتی معیاری برای نابرابری جنسیتی نبود، بلکه «شاخص توسعه انسانی» تعدیل یافته نسبت به نابرابری جنسیتی بود و نمی‌توانست مستقل از «شاخص توسعه جنسیتی» تحلیل شود. به عبارتی، شاخص توسعه انسانی دسترسی متوسط را نشان می‌دهد و شاخص توسعه جنسیتی آن را بر حسب نابرابری بین زنان و مردان تعدیل می‌کند. از آنجا که هیچ کشوری دارای برابری کامل جنسیتی نیست، بنابراین شاخص توسعه انسانی کشورها با در نظر گرفتن نابرابری جنسیتی کاهش می‌یابد. در سال 2010 در بیستمین سالگرد گزارش توسعه انسانی، شاخص نابرابری جنسیتی به عنوان یک شاخص تجربی معرفی شد. مقدار این شاخص بین صفر و یک است که مقدار صفر برابری کامل بین زنان و مردان را نشان می‌دهد.

از نظر متدولوژی «شاخص نابرابری جنسیتی»، شاخص کامل‌تری است که نابرابری جنسیتی را در سه بعد اندازه می‌گیرد و مهم‌ترین مزیت آن این است که اجازه نمی‌دهد بهبود در یک بعد، کاهش چشمگیر در بعد دیگر را پوشش دهد.

این شاخص از سه بعد: بهداشت مبتنی بر نرخ مرگ و میر مادران و نرخ باروری بزرگسالان، اقتدار شامل دوجو، تعداد نمایندگان زن در پارلمان و تعداد نسبی زنان بالای 25 سال که حداقل دارای سطوح تحصیلی راهنمایی هستند و نرخ مشارکت در بازار کار سنجیده می‌شود.

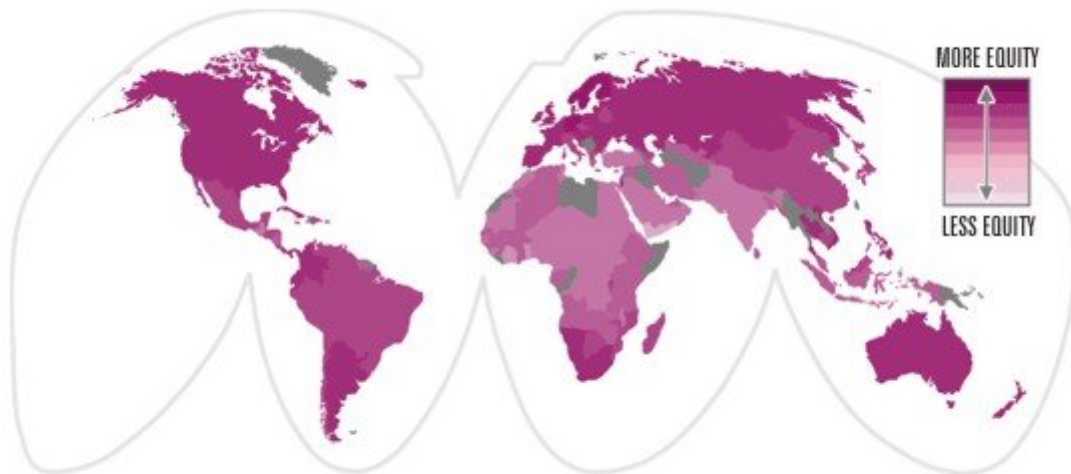
شاخص نابرابری جنسیتی کشور طی سالهای ۱۱-۲-۱۹۹۵



شاخص برابری جنسیتی:

برابری جنسیتی دارای ابعاد مختلفی است که به دلیل کمبود شاخص‌های دقیق سنجش آن بسیار مشکل است. برای درک بیشتر بی‌عدالتی‌های جنسیتی و نیز نظارت تحولات این مقوله، دیده‌بان اجتماعی فهرست تساوی حقوق جنسیتی را توسعه داده است. این فهرست مبتنی بر اطلاعات موجود و قابل مقایسه‌ای می‌باشد که وضعیت کشورها را بر اساس شاخص‌های انتخاب شده مرتبط با تساوی جنسیتی در سه بعد مختلف از جمله:

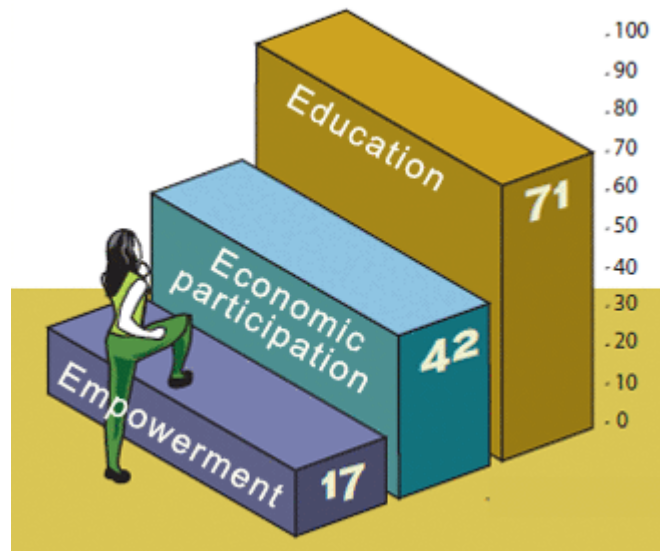
- 1- تحصیلات (میزان بی‌سوادی به تفکیک مرد و زن در هر کشور، میزان مدرسه‌رفته‌ها در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان به تفکیک مرد و زن)
- 2- مشارکت اقتصادی (میزان شکاف درآمد بین زن و مرد و میزان فعالیت‌های اقتصادی)
- 3- مشارکت سیاسی (درصد زنانی که دارای پست‌های اجرایی، پارلمانی، فنی، مدیریتی هستند) رده‌بندی می‌کند.



نمودار شکاف جنسیتی در کشورهای جهان

در سال 2012، دیده‌بان اجتماعی، کشورهای جهان را بر اساس آخرین آمارهای موجود رده‌بندی می‌کند و سیر تحولات 172 کشور جهان را با مقایسه فهرست پنج سال پیش آنها و فهرست کنونی آنها مقایسه می‌کند. بالاترین نرخ ممکن در این فهرست 100 درصد می‌باشد که این نرخ نشان می‌دهد هیچ نوع شکاف و فاصله جنسیتی در تمام این سه بعد وجود ندارد. شاخص برابری جنسیتی در این فهرست میزان فاصله بین زن و مرد را جدا از مسائل رفاه آنان مشخص می‌کند. بنابراین برای مثال کشوری که در آن دختران و پسران به‌طور مساوی قادر به ادامه تحصیلات عالی به دانشگاهی می‌باشند از این دیدگاه در رتبه 100 جای می‌گیرند. این نوع رتبه‌بندی به معنای عدم اصلاح‌پذیری کیفیت تحصیلات نیست بلکه صرفاً بدین معناست که دختر و پسر هر دو به‌طور مساوی از کیفیتی یکسان بی‌بهره‌اند. به عبارت بهتر این شاخص درصدد آن است که تبعیض بین زن و مرد را نشان دهد. در این فهرست تحصیلات تنها مولفه‌ای است که بسیاری از کشورها در آن به واقع به یک سطح تساوی رسیده‌اند، به جهت اینکه تحصیلات در هر کشوری امروزه به صورت یک حق مسلم قابل واگذار به مرد و زن تلقی می‌شود و یا شاید نسبت به دو شاخص دیگر کمترین هزینه سیاسی و اقتصادی به لحاظ کارکرد برای دولت‌ها دارد. اما جدا از این واقعیت که بسیاری از کشورها، نه تنها پیشرفتی نمی‌کنند بلکه مولفه تحصیلات شاخص برابری جنسیتی نشان می‌دهد که بسیاری از آنها حتی در حال

پسرفت می‌باشند. دو شاخصه دیگر، که مربوط به مشارکت زنان در زندگی اقتصادی و سیاسی است، هیچ کشوری برابری و تعادل کاملی نشان نمی‌دهد. که این موارد از جمله مواردی است که حکومت‌ها وسواس بیشتری نسبت به آن نشان می‌دهند، که در نهایت منجر به شکاف جنسیتی می‌شود.



شاخص برابری جنسیتی در جهان:

شاخص برابری جنسیتی اثبات می‌کند که اختلاف درآمد بین کشورها دلیل و توجیه قابل قبولی برای عدم تساوی حقوق زن و مرد نمی‌باشد، چه بسا بسیاری از کشورهای فقیر به رده بالایی از تساوی حقوق دست یافتند. بسیاری از کشورهایی که میانگین ارقام قابل قبولی در شاخص‌های اجتماعی داشتند ممکن است از رفاه اجتماعی در سطح قابل قبولی نباشند (رواندا – باهاما) اما توانسته‌اند از نظر رفع تبعیض بین زن و مرد رقم قابل قبولی به خود اختصاص دهند. رفع تبعیض‌های جنسیتی می‌تواند توسط سیاست‌های فعال به انجام رسد و نیازمند این نیست که کشورها سطح درآمدهایشان را برای موفقیت و پیشرفت در این زمینه گسترش دهند.



نروژ، فنلاند و ایسلند همچنان در بالاترین رده‌های سال 2012 شاخص برابری جنسیتی قرار دارند. اگرچه این سه کشور هر سه بعدی را که فهرست تشکیل می‌دهد را هدایت نکرده‌اند ولی در همه آنها، عملکرد قابل قبولی ارائه داده‌اند. براساس این گزارش، نروژ، فنلاند، ایسلند، سوئد، دانمارک، نیوزیلند، شش کشور اولی هستند که به لحاظ شاخص‌های مختلف آموزشی، اقتصادی و سیاسی در وضعیت خوبی قرار دارند. در مقابل شش کشور یمن، جزیره کت دوا، توگو، مصر، هند و چاد در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. اکثر کشورهایی که در بالای جدول قرار دارند به لحاظ سیاسی از یک نظام دموکراتیک نسبت به کشورهایی که در پایین جدول قرار دارند برخوردارند. با توجه به اعداد جدول فوق می‌توان ارتباط معناداری بین کم بودن شکاف جنسیتی و نظام سیاسی و اقتصادی یافت، هرچند عمومیت ندارد.

Norway	0,89
Finland	0,88
Iceland	0,87
Sweden	0,87
Denmark	0,84
New Zealand	0,82
Spain	0,81
Mongolia	0,81
Canada	0,80
Germany	0,80
Australia	0,80
South Africa	0,79
Belgium	0,79
Netherlands	0,79
Switzerland	0,79
Trinidad and Tobago	0,78
Portugal	0,77
Latvia	0,77
Estonia	0,77
France	0,77
Moldova	0,77
Rwanda	0,77
Lithuania	0,77
Namibia	0,77

United Kingdom	0,76
Philippines	0,76
Panama	0,76
Poland	0,76
Bulgaria	0,76
Slovenia	0,75
Russian Federation	0,75
Israel	0,75
Kazakhstan	0,75
Serbia	0,75
Uruguay	0,74
Ireland	0,74
Croatia	0,74
Costa Rica	0,74
Austria	0,74
Nicaragua	0,74
Argentina	0,74
Hungary	0,73
Czech Republic	0,73
Kyrgyzstan	0,73
Botswana	0,73
Slovakia	0,73
Paraguay	0,73
Lesotho	0,72
Romania	0,72
United States of America	0,72
Brazil	0,72
Greece	0,72
Chile	0,72
Cape Verde	0,72
Brunei Darussalam	0,72

Dominican Republic	0,72
Thailand	0,71
Ecuador	0,71
Viet Nam	0,70
Madagascar	0,70
Armenia	0,70
Italy	0,70
Peru	0,69
Ukraine	0,69
Belize	0,69
Burundi	0,69
Singapore	0,69
Luxembourg	0,68
Cuba	0,68
Cyprus	0,68
Georgia	0,67
Mauritius	0,67
Bolivia	0,66
Swaziland	0,65
Guyana	0,64
Azerbaijan	0,64
Venezuela	0,64
Belarus	0,64
Angola	0,64
Mexico	0,64
China	0,64
Colombia	0,64
United Arab Emirates	0,63
Honduras	0,63
Uganda	0,63
Malta	0,63

Jamaica	0,63
Maldives	0,63
El Salvador	0,62
Sri Lanka	0,62
Indonesia	0,62
Turkmenistan	0,62
Kuwait	0,62
Ghana	0,62
Gabon	0,61
Qatar	0,60
Tanzania	0,60
Papua New Guinea	0,60
Malawi	0,59
Korea, Rep.	0,59
Gambia	0,59
Guatemala	0,59
Mozambique	0,58
Kenya	0,58
Bosnia and Herzegovina	0,58
Uzbekistan	0,57
Japan	0,57
Malaysia	0,56
Liberia	0,56
Lao, PDR	0,56
Zimbabwe	0,55
Lebanon	0,55
Cambodia	0,55
Bangladesh	0,55
Albania	0,55
Bahrain	0,54
Mauritania	0,53

Tajikistan	0,51
Iran	0,51
Syria	0,50
Senegal	0,50
Jordan	0,49
Algeria	0,49
Zambia	0,49
Comoros	0,48
Haiti	0,48
Burkina Faso	0,48
Nepal	0,47
Djibouti	0,46
Turkey	0,45
Oman	0,45
Egypt	0,45
Ethiopia	0,44
Eritrea	0,44
Sierra Leone	0,44
Guinea-Bissau	0,43
Equatorial Guinea	0,42
Cameroon	0,41
Benin	0,41
Bhutan	0,41
Togo	0,40
Sudan	0,40
Morocco	0,40
Saudi Arabia	0,37
India	0,37
Congo, DR	0,36
Mali	0,32
Côte d'Ivoire	0,32
Pakistan	0,29

Congo, Rep.	0,29
Niger	0,26
Chad	0,25
Yemen	0,24
Afghanistan	0,15
Bahamas	
Central African Republic	
Dominica	
Guinea	
Iraq	
Kiribati	
Korea, DPR	
Libya	
Montenegro	
Myanmar	
Nigeria	
Somalia	
Suriname	
Tunisia	

ایران:

ایران در میان کشورهای مورد بررسی از دسته کشورهای است که بیشترین جهش را در جهت کاهش نابرابری جنسیتی تا سال 2012 داشته است. نرخ برابری جنسیتی کشورها بین 15 تا 89 درصد برای افغانستان و نروژ است به عبارت بهتر بالاترین برابری جنسیتی را نروژ و کمترین برابری را افغانستان به خود اختصاص داده است. ایران در میانه جدول یعنی با کسب رتبه 123 و با امتیاز 0.51 قرار داشته و هنوز جای جهش فراوان دارد. نرخ برابری جنسیتی در ایران در سال 2012 به این ترتیب مشخص شده است: نرخ برابری در آموزش و تحصیل 95 درصد، نرخ برابری در مشارکت اقتصادی 42 درصد، و نرخ برابری در مشارکت سیاسی 21 درصد است که در مجموع نرخ برابری جنسیتی در ایران را به 51 درصد می‌رساند که نسبت به سال‌های گذشته افزایش شاخص نابرابری جنسی را نشان می‌دهد. در ایران با توجه به ورود تکنولوژی ارتباطات از جمله اینترنت، افزایش نرخ باسوادی و تحصیلات در بین زنان پیشرفت خوبی را نشان می‌دهد، اما هنوز نسبت به مردان وضعیت نامطلوبی را دارند. به عنوان نمونه با توجه به ضریب بالایی تحصیلات زنان در ایران، نسبت دستیابی زنان به مشاغل مختلف در سطح پایینی قرار دارد. نرخ بیکاری زنان دارای تحصیلات عالی و تحصیل کرده از 4/7 درصد در سال 75 به 22 درصد در سال 80 رسیده است در حالی که این نرخ در همان سال برای مردان 3/7 درصد و در سال 80 به 10 درصد رسیده است.

ارزیابی:

1- 50 کشور در وضعیت نامطلوب (-50) 101 کشور وضعیت متوسط (50-75) 22 کشور وضعیت خوب (+75).

2- کشورهایی که وضعیت نامطلوبی دارند تماماً در کشورهای توسعه نیافته آسیایی، آفریقایی و آمریکای جنوبی قرار دارند.

3- بیشترین تبعیض بین زن و مرد در جهان به ترتیب در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و تحصیلی می‌باشد. این مطلب موید آن است که پست‌های کلیدی هنوز در اختیار مردان است.

Region	Education	Empowerment	Economic Activity	GEI 2012
Central Asia	0,91	0,24	0,74	0,63
East Asia and the Pacific	0,95	0,42	0,70	0,69
Europe	0,98	0,48	0,73	0,73
Latin America and the Caribbean	0,98	0,40	0,66	0,68
Middle East and North Africa	0,56	0,14	0,23	0,31
North America	1,00	0,48	0,71	0,73
South Asia	0,67	0,14	0,36	0,39
Sub-Saharan Africa	0,64	0,29	0,62	0,52
GLOBAL AVERAGE	0,82	0,28	0,57	0,56

GENDER EQUITY INDEX 2012

	Education	Economic Activity	Empowerment	GEI		Education	Economic Activity	Empowerment	GEI
Afghanistan	4	17	25	15	Egypt	83	25	22	45
Albania	94	57	13	55	El Salvador	88	55	34	62
Algeria	86	44	16	48	Equatorial Guinea	92	26	7	42
Angola	70	73	50	64	Eritrea	45	56	30	44
Argentina	100	63	53	74	Estonia	99	80	52	77
Armenia	100	74	36	70	Ethiopia	37	71	25	44
Australia	100	83	57	80	Finland	100	87	76	88
Austria	100	63	54	74	France	100	79	51	77
Azerbaijan	98	64	32	64	Gabon	92	67	23	61
Bahamas*	100	0	34	0	Gambia	79	71	26	59
Bahrain	97	35	30	54	Georgia	98	63	39	67
Bangladesh	81	65	13	55	Germany	100	78	62	80
Belarus	100	71	22	64	Ghana	79	88	19	62
Belgium	98	79	61	76	Greece	99	68	49	72
Belize	100	62	45	69	Guatemala	89	50	6	49
Benin	43	65	14	41	Guinea*	34	78	0	0
Bhutan	72	41	9	41	Guinea-Bissau	57	52	20	43
Bolivia	92	64	43	66	Guyana	98	36	57	64
Bosnia and Herzegovina	98	63	9	58	Haiti	84	45	16	48
Botswana	100	73	41	73	Honduras	100	52	39	63
Brazil	98	75	43	72	Hungary	98	82	40	73
Brunei Darussalam	99	73	39	72	Iceland	100	82	80	87
Bulgaria	99	81	47	76	India	66	33	12	37
Burkina Faso	48	75	23	48	Indonesia	93	57	36	62
Burundi	69	91	47	69	Iran	35	42	16	51
Cambodia	71	73	21	55	Iraq*	51	0	23	0
Cameroon	65	44	15	41	Ireland	100	74	48	74
Canada	100	83	57	80	Israel	100	81	44	75
Cape Verde	91	62	62	72	Italy	99	66	45	70
Central African Republic*	26	69	0	0	Jamaica	97	75	16	63
Chad	13	52	12	25	Japan	93	65	14	57
Chile	99	60	55	72	Jordan	97	35	11	49
China	95	75	21	64	Kazakhstan	99	82	44	75
Colombia	99	71	21	64	Kenya	36	75	14	58
Comoros	74	70	1	48	Kiribati	96	0	6	0
Congo, DR	40	55	12	35	Korea, DPR	0	0	0	0
Congo, Rep.	34	40	12	29	Korea, Rep.	34	68	26	59
Costa Rica	100	61	60	74	Kuwait	97	57	33	62
Côte d'Ivoire	42	41	12	32	Kyrgyzstan	99	71	48	73
Croatia	99	79	44	74	Lao, PDR	75	65	23	56
Cuba	100	48	55	68	Latvia	100	81	51	77
Cyprus	95	76	32	68	Lebanon	35	42	28	55
Czech Republic	100	74	45	73	Lesotho	100	83	34	72
Denmark	100	87	55	84	Liberia	36	52	25	56
Djibouti	59	64	14	46	Libya*	0	0	0	0
Dominica*	100	0	60	0	Lithuania	98	83	48	77
Dominican Republic	100	71	44	72	Luxembourg	100	75	30	68
Ecuador	97	57	53	71	Madagascar	94	84	33	70

	Education	Economic Activity	Empowerment	GFI		Education	Economic Activity	Empowerment	GFI
Malawi	89	57	32	59	Senegal	63	57	28	50
Malaysia	98	40	31	56	Serbia	93	75	51	75
Maldives	97	60	31	63	Sierra Leone	33	37	11	44
Mali	35	42	19	32	Singapore	94	71	40	69
Malta	100	58	31	63	Slovakia	100	75	43	73
Mauritania	99	61	28	53	Slovenia	100	79	47	75
Mauritius	98	59	42	67	Somalia*	0	0	0	0
Mexico	98	56	37	64	South Africa	93	74	66	79
Moldova	98	67	45	77	Spain	99	71	73	81
Mongolia	99	94	50	81	Sri Lanka	97	58	31	62
Montenegro*	0	0	0	0	Sudan	76	25	21	40
Morocco	72	29	19	40	Suriname*	93	62		0
Mozambique	59	68	48	58	Swaziland	93	73	31	65
Myanmar*	97	66	0	0	Sweden	99	85	77	87
Namibia	100	76	54	77	Switzerland	93	80	58	79
Nepal	65	56	21	47	Syria	89	38	24	50
Netherlands	100	62	56	79	Tajikistan	74	67	13	51
New Zealand	100	83	63	82	Tanzania	71	68	42	60
Nicaragua	100	58	64	74	Thailand	97	77	38	71
Niger	21	38	18	26	Togo	53	54	14	40
Nigeria*	60	38	0	0	Trinidad and Tobago	99	72	64	78
Norway	100	90	78	89	Tunisia*	93	18	0	0
Oman	94	13	27	45	Turkey	83	34	19	45
Pakistan	55	19	14	29	Turkmenistan	100	73	13	62
Panama	98	69	60	76	Uganda	82	59	48	63
Papua New Guinea	89	88	2	60	Ukraine	100	67	41	69
Paraguay	99	70	49	73	United Arab Emirates	93	49	49	63
Peru	96	69	43	69	United Kingdom	100	81	47	76
Philippines	100	67	61	76	United States of America	100	69	47	72
Poland	100	75	52	76	Uruguay	100	72	51	74
Portugal	99	78	55	77	Uzbekistan	87	71	13	57
Qatar	98	53	30	60	Venezuela	100	65	28	64
Romania	99	80	39	72	Viet Nam	95	75	41	70
Russian Federation	100	81	44	75	Yemen	30	40	2	24
Rwanda	84	72	74	77	Zambia	73	49	18	49
Saudi Arabia	93	4	15	37	Zimbabwe	83	57	21	55

* There are no available data on GFI.

منابع:

http://www.socialwatch.org/report2012*

1. دکتر سوزان گولومبوك، دکتر رابین فی وش، رشد جنسیت، ترجمه: دکتر مهرانز شهرآرای، تهران، ققنوس، چاپ سوم، اسفند 1384.
2. استفانی گرت، جامعه شناسی جنسیت، ترجمه: کتایون بقایی، تهران، نشر دیگر، چاپ 1384